

دو فصلنامه علمی تاریخ‌نگری و تاریخ‌نگاری دانشگاه الزهراء (س)  
سال سی‌وسوم، دوره جدید، شماره ۳۱، پیاپی ۱۱۶، بهار و تابستان ۱۴۰۲  
مقاله علمی - پژوهشی  
صفحات ۲۹۴-۲۶۷

## تأملی روش‌شناختی پیرامون شایعات مربوط به کشته‌شدگان انقلاب اسلامی (نمونه موردی ۱۵ خرداد ۱۳۴۲ و ۱۷ شهریور ۱۳۵۷)<sup>۱</sup>

علیرضا ملایی توانی<sup>۲</sup>، بهروز گراوند<sup>۳</sup>، سید محمود سادات<sup>۴</sup>

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۳/۳۱

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۶/۰۸

### چکیده

شایعه در حکومت و جامعه همواره با اهداف چندسویه‌ای مطرح بوده است. طراحی شایعه از منظر گونه‌شناختی متنوع بوده و در انواع و روش‌های مختلفی به کار گرفته می‌شود. در فرایند انقلاب اسلامی ایران نیز شایعات مختلفی در ارتباط با گروه‌ها و طیف‌های تأثیرگذار بر ساخت قدرت مطرح شده است. هدف پژوهش حاضر، بررسی روش‌شناختی شایعات مرتبط با موضوع تعداد کشته‌شدگان در برهه مبارزات انقلاب اسلامی و نقد روایت‌های موجود است. پرسش اصلی این است که شایعات پیرامون تعداد کشته‌شدگان در فرایند انقلاب در گفتمان‌های حکومت پهلوی و مخالفان آن با چه انگیزه‌هایی مطرح شده و بر پایه چه مبانی روش‌شناختی می‌توان آن‌ها را سنجش و نقادی کرد. در این پژوهش که براساس روش توصیفی تحلیلی سامان‌یافته، تلاش می‌شود تا برای ارائه تحلیلی عمیق‌تر از شایعات رایج این برهه از نظریه تحلیل گفتمان نیز استفاده شود. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که شایعه‌سازی به‌عنوان ابزاری برای «مظلوم‌نمایی» و «تبلیغات علیه حاکمیت» مورد استفاده مخالفان رژیم پهلوی قرار داشت و به همان نسبت به‌عنوان ابزاری برای تشکیک در خاستگاه انقلاب و رهبران آن با هدف تضعیف و به حاشیه‌راندن گفتمان انقلابی مورد بهره‌برداری رژیم پهلوی قرار می‌گرفت.

**کلیدواژه‌ها:** شایعه، ضابطه‌مندی برانگیزاننده، مبالغه تکان‌دهنده، حاشیه‌رانی، انقلاب اسلامی.

۱. شناسه دیجیتال (DOI): 10.22051/hph.2024.46455.1713

۲. استاد پژوهشکده تاریخ، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، تهران، ایران (نویسنده مسئول).

mollaiynet@yahoo.com

۳. دانشجوی دکتری رشته تاریخ انقلاب اسلامی پژوهشکده امام‌خمينی و انقلاب اسلامی، تهران، ایران.

behrooz.geravand@yahoo.com

۴. استادیار پژوهشکده امام‌خمينی و انقلاب اسلامی، تهران، ایران. m.sadat@yahoo.com

#### مقدمه

مفهوم شایعه در گفتمان سیاسی حکومت و تشکل‌ها و گروه‌های مختلف با اهداف مختلفی طراحی، تکثیر و پخش می‌شود. شایعه می‌تواند به‌منظور انحراف و هدایت افکار عمومی از سیاست‌گذاری‌های حکومتی باشد یا برای تخریب فرد یا جریان خاصی منتشر شود. یعنی امری دو سویه است که میان ناظر و شاهد صورت می‌پذیرد. شایعات که بیشتر اطلاعات گمراه‌کننده را به مخاطبان منتقل می‌کنند، قدرت تشخیص و شناخت امر واقع را از بین می‌برند. حتی در مطالعات تاریخی نیز تشخیص شایعات از واقعیت پشت پرده، گاه بسیار دشوار است. به همین خاطر است که «تاریخ نه تنها از حیث موضوعی و نفعی، بلکه از حیث روشی نیز پیچیده‌ترین و سخت‌ترین علوم است» (حضرتی، ۱۳۹۹).

در ایران و در جریان فرایند انقلاب اسلامی و مبارزات طیف‌های مختلف علیه حکومت، پخش شایعه به‌خصوص پس از شکل‌گیری گفتمان منتقد و مخالف حکومت به‌عنوان وسیله‌ای برای دستیابی به اهدافی خاص وجود داشت. از یک‌سو، دستگاه‌های تبلیغاتی و امنیتی حکومت منبع تکثیر شایعات بودند و از سوی دیگر، مخالفان حکومت که از دستگاه تبلیغی و رسانه‌ای محروم بودند، از طریق نهادهای ارتباطی غیررسمی با توده مردم در جهت نشر شایعات علیه حکومت اقدام می‌نمودند. طبعاً جنبش اعتراضی علیه حکومت و برپایی تظاهرات به سرکوب، شکنجه و تلفات جانی مخالفان منجر می‌شد. در این میان، دو گفتمان حکومتی و انقلابی در توصیف فضای موجود از شایعه به‌منظور رسیدن به اهداف خود بهره می‌بردند.

گفتمان حکومتی، انقلابیون را عناصر برهم‌زننده نظم و امنیت و خرابکار توصیف می‌کرد و مخالفان از اختناق و خشونت و کشتار حکومت و دامنه آن در میان توده‌ها سخن می‌گفتند. این گفتمان دوسویه تأثیر خود را در متون تاریخی بر جای گذاشته است. چنان‌که از تعداد جان‌باختگان در کُنش‌های انقلابی، روایتی دو سویه در آمار و ارقام تاریخی ایجاد کرده است که نه فقط هم‌خوان نیستند؛ بلکه گاه به‌شدت ناقض و نافی یکدیگرند.

اساساً نگاهی اجمالی به فضای سیاسی کشور پس از کودتای ۲۸ مرداد، نشانگر احساس ناامنی سیاسی فزاینده میان توده مردم است که این امر همراه با عدم اطلاع‌رسانی یا عدم اعتماد مردم به خبررسانی حکومتی و دستگاه‌های تبلیغی حکومت در شکل‌گیری شایعات نقش بسار مهمی دارد و زمینه مساعدی برای گسترش شایعات در جامعه ایجاد می‌کرد. بنابراین بسترهای شکل‌گیری شایعه در جامعه ایران به‌خصوص در دهه‌های ۴۰ و ۵۰ کاملاً فراهم بود. البته برخی از ویژگی‌های فرهنگی جامعه ایران همچون سنت «نقل» و «روایت شفاهی» نیز نقش مؤثری در تشدید این وضعیت داشت. این در حالی است که «اگر سنت تاریخ شفاهی خود را

با سنت تاریخ‌نگاری متعارف (یا مکتوب) مقایسه کنیم، تاریخ شفاهی ما هنوز دوران تکوین خود را سپری می‌کند و در وضعیتی قرار دارد که تا حد زیادی مشابه دوران آغازین ظهور تاریخ‌نگاری در اسلام است» (ملایی توانی، ۱۳۸۹).

راه‌یافتن این شایعات در روایات تاریخی برهه انقلاب که به‌خصوص با شدت یافتن روند انقلاب، بر میزان کمی و کیفی آن‌ها افزوده شده است، نمایانگر ورود انبوهی از روایات مخدوش یا آمیخته‌ای از صحیح و سقیم در منابع تاریخی انقلاب است که بازشناسی و صحت‌سنجی دقیق آن‌ها را دشوار کرده است. افزون‌بر این، در پژوهش‌های تاریخی برای تبیین مفهومی مانند شایعه به این نکته کلیدی می‌بایست توجه داشت که ایجاد و نشر یک شایعه بر مبنای اغراق و مبالغه پیش از آن که یک تاکتیک و شیوه مبارزه باشد، اساساً در نفس روایت‌های تاریخی وجود دارد. به این معنی که ساختار روایت همواره بر پی‌رنگی استوار است که در آن ده‌ها نکته از نظر دور می‌ماند و در مقابل برخی از نکته‌ها، مهم و برجسته می‌شوند. (احمدی، ۱۳۸۶: ۱۴۳). از آنجاکه شایعات برای اشاعه به اخبار مهم تکیه دارند، به‌خودی‌خود نوعی برجسته‌سازی تلقی می‌شوند و احتمال این که وارد داده‌های تاریخی شوند و در ساختار و پی‌رنگ تاریخ تأثیرگذار باشند، بسیار زیاد است؛ زیرا «درواقع می‌توان گفت گزینش تاریخ‌نگار همان ایجاد پی‌رنگ است» (همان: ۱۴۹). «درحالی‌که علم تاریخ عام‌ترین مقیاس در پهنای زمان و مکان برای توصیف و تحلیل زندگی انسان‌هاست و منحصر به گذشته و وقایع مرتبط با آن نخواهد بود، بلکه سطحی فراگیر از پیوند گذشته، حال و آینده را شامل می‌شود» (عباسی و ملک‌شاهی: ۱۴۰۱)

بنابر آنچه رفت، پژوهش حاضر می‌کوشد با رویکردی تاریخی به روایت‌سنجی و تحلیل این شایعات در مورد رویدادهای برجسته فرایند انقلاب اسلامی در فاصله سال‌های ۱۳۴۲ تا شهریور ۱۳۵۷ پردازد تا درکی روشمند و علمی از جدال گفتمانی پیرامون رویدادهای بزرگ انقلابی و مرز بین شایعه و امر واقع به دست دهد.

در اینجا لازم است که بین «شایعه» و آنچه «شایع» است تفکیک قایل شد. درواقع شایعه به معنی خبر یا اطلاعات تأیید نشده‌ای که مورد توجه گروه یا جمعیت خاصی بوده و برای ایجاد باور نزد دیگران معمولاً از فردی به فرد دیگر به‌طور شفاهی و بدون هیچ‌گونه اطمینان و دلیل و مدرک کافی انتقال می‌یابد و به‌عبارت‌دیگر شایعه طرح و شیوع‌دادن خبر یا ادعایی است که همواره هاله‌ای از شک و تردید آن را پوشانده است» (افروز، ۱۳۷۴: ۳).

شایعه با «شایع» و «شیوع» دارای ریشه مشترک است، اما بار معنایی متفاوتی دارند. شایع بر رایج و متداول بودن و شیوع بر سرایت، اشتها و نشر دلالت دارد. در این پژوهش امر شایع را

می‌توان روند یا موضوعی فراگیر تعریف کرد. آنچه بسیاری آن را انجام می‌دهند یا وضعیتی که شامل بسیاری از افراد یک گروه یا جامعه است. امر شایع، دلیل بر وفور، فراوانی و کثرت رخ دادن یا واقع شدن اثری یا اتفاقی در موضوعات مختلف است. می‌تواند واقعییتی یا رخدادی در موضوعات مختلف باشد که به صورت خصلتی عام بروز می‌یابد. با درصدهای بالای آمار نسبت مستقیم دارد، اما شایعه، امری ساختگی است.

### پیشینه پژوهش

اگرچه در کشورهای غربی با رویکرد تاریخی، تحلیل شایعات مورد توجه پژوهشگران قرار گرفته، در ایران چنان‌که باید به این موضوع توجه نشده و پژوهشی جدی به عمل نیامده است. از جمله پژوهش‌های مرتبط با شایعات دوره انقلاب می‌توان به مقاله کارن ال. پلیسکین<sup>۱</sup> با عنوان «شایعات انقلاب» (L. Pliskin, 1980) اشاره کرد. او با استفاده از مدل ترنر به تحلیل شایعات به ارزیابی کشته‌های ۱۷ شهریور ۱۳۵۷ (جمعه سیاه) پرداخته و به این نکته توجه کرده است که چگونه شایعات به مثابه کاتالیزوری به وقوع انقلاب مدد می‌رسانند، اما آشکار است که با بررسی یک نمونه نمی‌توان قاعده‌ای کلی استنتاج کرد.

نمونه دیگر قابل اشاره مقاله «چهره خمینی در ماه» به قلم اولمو گولز<sup>۲</sup> است (Gölz, 2017). او در این مقاله به نقش کاریزمای امام خمینی در میان مردم پرداخته و تصویر وی در ماه را برای مردم به معنای انتظار آنان برای منجی تفسیر کرده است. پژوهش گولز هرچند از نظر موضوع و داده‌های جمع‌آوری شده، مقاله‌ای پرنکته و خواندنی است؛ اما در پیگیری روند شایعات در تاریخ معاصر ایران و ریشه‌شناسی آن‌ها چندان موفق نیست.

از نمونه پژوهش‌های محققان ایرانی حول موضوع شایعات در تاریخ سیاسی معاصر ایران نیز می‌توان به مواردی همچون مقاله زهره چراغی تحت عنوان «شایعه و شایعه‌پردازی در عصر قاجار» (چراغی، ۱۳۹۰)؛ «مجلس سوم و گزارش‌های پلیس مخفی از شایعات تهران» به قلم منصوره اتحادیه (اتحادیه، ۱۳۹۲)؛ «کالبدشکافی یک شایعه در عصر مشروطیت» نوشته علی ابوالحسنی (۱۳۸۲) اشاره کرد.

انگشت‌شمار نوشته‌هایی نیز مستقیم یا غیرمستقیم در موضوع شایعات مرتبط با تاریخ انقلاب اسلامی، تصنیف شده‌اند. از این‌گونه‌اند: جزوه «ترور فکری و ترویج شایعه» که در سال ۱۳۵۸ توسط انتشارات حزب جمهوری اسلامی منتشر شده و به برخی شایعات پیرامون دبیرکل وقت حزب جمهوری، سیدمحمد حسینی بهشتی پرداخته است. مقاله «ساواک شایعه

1. Karen L. Pliskin

2. Olmo Gölz

می‌سازد، شهربانی تکذیب می‌کند» که به‌مرور چند سند پیرامون شایعه‌سازی ساواک درخصوص واقعه ۱۵ خرداد ۴۲ می‌پردازد (بی‌نا: ۱۳۷۶) و بخش‌هایی از کتاب *بررسی انقلاب ایران* به قلم عمادالدین باقی که در آن به استناد آمارهای بنیاد شهید درباره تعداد شهدای دوران مبارزات انقلاب، به موضوع شایعات و گسترش آن‌ها در ایام مبارزات و ادامه آن‌ها در عصر پسا انقلاب و استقرار نظام جمهوری اسلامی توجه کرده است (باقی: ۱۳۷۸). این سیاهه کم‌شمار گواهی است بر این نکته که ادبیات پژوهشی این موضوع، بسیار تُنک و نحیف است و این همه هم بر دشواری این گونه پژوهش و هم بر ضرورت انجام آن می‌افزاید.

### درآمدی نظری بر مفهوم و روش بررسی شایعات در مطالعات تاریخی

آشنایی با مفهوم شایعه و کاربردهای آن در حوزه سیاسی-اجتماعی و نیز روش‌شناسی مطالعات شایعه‌شناسی از الزامات چنین پژوهش‌هایی است. از همین رو در نوشته پیش رو اشاره‌ای کوتاه به آن خواهد شد. زیرا «تاریخ علمی است که به دنبال حقیقت - آن گونه که هست - به جست‌وجو می‌پردازد و مراجع تاریخی تنها ارتباط‌دهنده مورخ به حوادث گذشته است» (رستم، ۱۳۹۲: ۶۱). اما پدیده‌ای چون انقلاب‌ها را باید از جنبه‌های مختلف و در بستر جامعه‌شناسی تاریخی و نه صرفاً تبیین‌های علی / مکانیکی، مورد پژوهش قرار داد. موضوع حائز اهمیت در پژوهش حاضر، توجه به مفهوم شایعه و گونه‌شناسی آن است. شایعه به مثابه روایت یکی از مهم‌ترین گونه‌های خوانش شایعات است و در این مقاله عمدتاً بر همین وجه تأکید می‌شود. زیرا شایعه به‌عنوان خبر یا روایت اثبات‌نشده صرفاً به واسطه پیوند مستحکمی که میان راوی و روایت برقرار می‌کند، پذیرفته می‌شود (کیانی، ۱۳۸۵: ۱۳۱). شایعه‌ها به دلایل مختلفی به وجود می‌آیند و اهداف گوناگونی دارند. در شایعه‌سازی، روش‌های مختلفی چون مبالغه، مظلوم‌نمایی، کشته‌سازی، دست‌کاری آماری و غیره به کار گرفته می‌شود. البته کاربردهای روش‌های پیش‌گفته به درجه اهمیت خبر و ابهام در جامعه بستگی دارد. در روند مبارزه برای انقلاب اسلامی ایران شایعات به دلایل گوناگون بسیار تأثیرگذار بودند و در حقیقت، بخشی از «جنگ نامتقارنی» شمرده می‌شدند که میان مردم و حکومت جریان داشت.

شایعه‌ها از نظر تاریخی و به دلیل شرایط خاص حاکم بر جامعه از جمله ناستواری، ترس و تردید در طول دوره‌های شورش‌های اجتماعی روبه‌رشد نهاده‌اند (کیانی، ۱۳۸۵: ۱۳۵). در تقابل حاکمیت با مخالفان جنگ روایت‌ها شکل گرفت که برای به حاشیه‌راندن گروه رقیب ابزارهای متعددی به کار گرفت که شایعه یکی از آنهاست. در واقع شایعه‌ها در طول تاریخ نقشی

همانند رسانه‌ها و بنگاه‌های خبرپراکنی امروزی را ایفا می‌کردند (کاپفر، ۱۳۸۰: ۱۰-۸). در روند انقلاب‌ها زمینه برای گسترش شایعه‌ها و اغراق‌ها بسیار فراهم است. ایجاد نگرانی از وضع موجود، گسترش ناامنی سیاسی و اقتصادی و ایجاد فشار و اضطراب روانی و... از اهداف شایعات است (کیانی، ۱۳۸۵: ۱۴۱).

از دیگر زمینه‌های بروز شایعه به‌عنوان دروغ‌های خبری که امکان اثبات کذب آن‌ها در زمان انتشارشان مهیا نیست حاکمیت دیکتاتوری و عدم گردش آزاد اطلاعات است. در این برهه‌های تاریخی فقدان آزادی‌های فردی و اجتماعی همچنین اعمال سانسور موجب می‌شود، شایعات در تیراژی وسیع در جامعه پراکنده شود (آلپرت و پستمن، ۱۳۷۴: ۱۷۴-۱۷۲). با این همه، گستردگی شایعات می‌تواند زودگذر باشد؛ زیرا شایعه‌گوایی بر اوضاع موجود است و اگر اوضاع تغییر کند، شایعه علت وجودی خود را از دست می‌دهد و فوراً فراموش می‌شود؛ چرا که دیگر ربطی به اوضاع ندارد (کیانی، ۱۳۸۵: ۱۵۰)، اما برخی از شایعات در برابر فرسودگی مقاوم هستند، به این معنی که برخی از شایعات مخاطبان جدیدی پیدا می‌کنند و ممکن است وارد «داده‌ها» و «روایت‌های» تاریخی شوند؛ بنابراین جداسازی واقعیت از شایعات، اغراق و مبالغه‌ها کار بسیار مهمی است که تاریخ‌پژوهان باید به آن توجه داشته باشند. در پژوهش حاضر، به دلیل آن که تعداد کشته‌ها و زخمی‌ها، امری کمی و شایعه، امری کیفی است و کیفی بودن متغیر شایعه و عدم کفایت روش‌های کمی برای سنجش آن، می‌تواند یافته‌های پژوهش را دچار اخلال کند، نویسندگان کوشیده‌اند در کنار متغیر کیفی شایعه به متغیر کمی یعنی تعداد کشته‌گان و زخمی‌ها توجه کنند تا ضمن رسیدن به یک نقطه تعادل، بتوانند کاربردی‌تر و مستندتر به اثبات مدعای خود که همانا تأثیر شایعات و وجود اغراق و مبالغه در تعداد کشته‌ها و زخمی‌ها است، بپردازند.

اگرچه بسیاری از این شایعات و بزرگ‌نمایی‌ها، «تاکتیک‌ها و تکنیک‌های» مبارزاتی هستند که در جای خود مورد بحث قرار می‌گیرند؛ اما در کل، پژوهشگر در برخورد با این صحنه و با پدیده‌ها دو کار باید انجام دهد: پس‌رانی (حاشیه‌رانی) و پیش‌رانی (برجسته‌سازی). یعنی هنگامی که با پدیده شایعه روبه‌رو می‌شود، برخی از عناصر در آن پدیده را باید عقب براند و آن‌ها را نادیده بگیرد و برخی دیگر را برجسته کند (پاکتچی، ۱۳۹۶: ۵۴).

### شیوه‌های گسترش و فراگیری شایعه در فرایند انقلاب اسلامی ایران

#### الف. برجسته‌سازی

دو امر در ایجاد شایعه و مبالغه دخالت بیشتری دارند: نخست، اهمیت خبر، به این معنی که

«موضوع و محتوای شایعه یا «خبر ساختگی» برای گوینده و شنونده آن باید اهمیت قابل توجهی داشته باشد؛ به تعبیر دیگر باید در کانون توجه، مدار علایق درونی و چهارچوب منافع فردی و گروهی قرار گیرد» (کیانی، ۱۳۸۵: ۱۳۸)؛ دوم، وجود ابهام در جامعه، یعنی شرایط اجتماعی به گونه‌ای باشد که اخبار صحیح و واقعیت‌ها در هاله‌ای از ابهام و تردید قرار گیرند؛ زیرا وقتی حقیقت را می‌دانیم، دلیلی برای گوش‌دادن به شایعه وجود نخواهد داشت. قانون اصلی شایعه را می‌توان در همین دو اصل یعنی اهمیت و حساسیت و شرایط ابهام در جامعه خلاصه کرد (کیانی، ۱۳۸۵: ۱۳۸)؛ بنابراین، شایعه در جایی مطرح می‌شود که زمینه دسترسی به اخبار موثق وجود نداشته نباشد.

به عبارتی «محتوای شایعه از جنس خبر است؛ از این رو شایعه هم از نظر نوع اخباری که حمل می‌کند و هم از نظر شیوه نقل اخبار، در رقابت با سایر انواع اخبار و محمل‌های ارتباطی قرار می‌گیرد؛ به نحوی که به‌عنوان رقیبی جدی برای رسانه‌های قدرتمند، چه از نظر مالی و چه از نظر سیاسی، مطرح هستند. به همین جهت شایعه را از حیث این که هیچ بار مالی برای گوینده ندارد، رسانه مستمندان و بی‌پناهان نیز نامیده‌اند» (کیانی، ۱۳۸۵: ۱۳۲). بر همین اساس، در رویدادهای مهم و سرنوشت‌ساز در فرایند انقلاب اسلامی شایعات پیرامون این جریان که بازتاب جهانی داشت بر افکار عمومی داخل و خارج می‌توانست تأثیرات مهمی داشته باشد. «شایعه، انتقال شفاهی پیامی است که برای برانگیختن باور مخاطبان و همچنین تأثیر در روحیه آنان ایجاد می‌شود. مطالب کلی شایعه باید حول محورهای اساسی و مهمی باشد که مخاطب نسبت به آن حساسیت بالایی دارد» (باصری، احمدی، ۱۳۹۵: ۹۶).

مبالغه نیز یکی از روش‌هایی است که با اغراق‌کردن و بزرگ‌نمایی یک موضوع، سعی در اثبات یک واقعیت دارد. کارشناسان تبلیغات از این فن در مواقع خاص و وقایع مشخص استفاده می‌کنند. این فن در زمان‌هایی که بحران و اغتشاش وجود دارد، بسیار مؤثر است (باصری و احمدی، ۱۳۹۵: ۹۸). این دو با هم رابطه تنگاتنگی دارند و در انواع مختلفی بروز می‌کنند. گفتمان حاکم پهلوی کوشش نمود با برجسته‌سازی اخبار و شایعات و جانمایی آن به جای واقعیت با انگیزه‌های سیاسی و ایجاد رعب و وحشت گفتمان منتقد را تخریب و خنثی نماید.

درواقع بزرگ‌نمایی، برجسته‌سازی، به‌وسیله شایعه‌سازی هم از سوی حکومت و هم مخالفان پخش شد که آمار و ارقام آسیب‌دیدگان را مبهم نموده است. در گفتار رسمی، تعداد فوتی‌ها اعدادی بین ۵۰ تا ۱۰۰ نفر گفته شد. ضمن این که شایعاتی مبنی بر اجیرشدن افراد با پول برای گردهمایی ۱۵ خرداد حضور پیدا کرده‌اند یا مخالفان عناصری خرابکار و وابسته به

خارج معرفی شده‌اند که هدف آنان فلج‌کردن چرخ توسعه و ترقی مملکت و ملت است و در مقابل مخالفان و انقلابیون نیز برای مظلوم‌نمایی، جذب مردم، برجستگی خود و دیگر اهداف و نیز کاهش فشارهای حکومتی بر خود، آمار و اعدادی بسیار بالا از جان‌باختگان، زخمی‌ها ارائه دادند.

در برخی روایت‌ها، اجساد فوتی‌ها را با تعداد بالا در دریاچه نمک قم دفن کرده‌اند یا دستگیرشدگان را زنده با هواپیما از بالا به پایین دریاچه نمک قم پرتاب نموده‌اند که شاهد شکل‌گیری جنگ روایت‌ها هستیم. این نزاع را همچنان در تاریخ‌نگاری انقلاب اسلامی مشاهده می‌کنیم. با اعتبارسنجی روایت‌ها می‌توان دریافت اصل سرکوب و کشتار وجود داشته است. اما در اعداد و ارقام اغراق شده است. ما با پرداختن به روایت‌های مختلف، تلاش کردیم با توصیف و تبیین روایت‌های این دوره کارکرد شایعات در فرایند انقلاب اسلامی در رویداد ۱۵ خرداد بدان توجه نموده و در حد توان اعتبارسنجی نماییم.

#### **ب. کشته‌سازی**

در این تاکتیک برای زنده‌نگهداشت اعتراضات به تهییج افکار عمومی نیاز است، چه به صورت واقعی اگر کسی کشته شد، برجسته‌سازی شود، اگر نه سعی می‌کنند حتی با خبرهای بدون منبع این شایعه را گسترش دهند تا کشته‌سازی برای ادامه اعتراضات انجام گیرد (باصری و احمدی، ۱۳۹۵: ۹۸).

#### **پ. کلی‌گویی و برانگیزانندگی ضابطه‌مند**

کلی‌گویی عبارت است از مرتبط‌ساختن عقیده یا سیاستی خاص با مفهومی ویژه تا مخاطب بدون بررسی شواهد و دلایل، عقیده یا سیاست موردنظر را بپذیرد (باصری و احمدی، ۱۳۹۵: ۱۰۰). این شیوه در تاریخ انقلاب اسلامی به ویژه درباره کشته‌ها و زخمی‌ها به کرات استفاده شده است؛ نمونه بسیار جالب این مبالغه در تاریخ انقلاب اسلامی کتاب *بیوگرافی پیشوا* است که در سال ۱۳۵۲ درباره قیام ۱۵ خرداد ۴۲ می‌نویسند: «هنگامی که دود و غبار برطرف شد، پیکرهای کشتگان و تن‌های مجروحین که روی هم انباشته شده بودند، به قتلگاهی بس عظیم و تلی بسیار بزرگ شباهت داشت که نظیر آن کشتار وحشیانه و قتل‌عام بی‌چون و چرا در تاریخ ایران، مگر در زمان حمله تاتار و مغول وجود نداشت» (بی‌نا، ۱۹۷۵/م ۱۳۹۵: ۶۰).

و در همین خصوص «مردم کوچه و بازار که در صحنه قیام و درگیری حضور داشتند و با چشم خود دیدند که چگونه تظاهرات‌کنندگان جان‌برکف همانند برگ خزان بر زمین ریختند، شمار شهیدان آن روزهای خونبار را بالغ بر پانزده هزار تن روایت کردند» (بی‌نا، ۱۳۸۴: ۲۷۵). در این سبک از نوشتار بدون توجه به سند و مدرک با ایجاد تشبیه و «این‌همانی»،



احساسات را برمی‌انگیزند یا از سر احساسات بیان می‌شوند. بعد از ایجاد فضای احساسی ارقام غلو شده را باورپذیر نشان می‌دهند. در کلی‌گویی هنگامی که از سند و مدرک سخن به میان می‌آید، به ادعاهای اثبات نشده‌ای رو می‌آورند. به‌عنوان نمونه: «رژیم شاه برای این که عمق کشتار بی‌رحمانه مردم در قیام خردادماه از دید ملت ایران و جهان پوشیده نگه دارد، بسیاری از کشته‌ها و حتی زخمی‌ها را که در خیابان‌ها افتاده بودند، پیش‌ازاین که به بیمارستان یا پزشک‌قانونی انتقال یابند و مورد شناسایی قرار گیرند، در کامیون‌ها ریختند و در نقاط دوردست، در گورهای دسته‌جمعی مدفون کردند. بدین‌گونه آنان را در جرگه سربازان گمنام اسلام و ایران درآوردند» (بی‌نا، ۱۳۸۴: ۲۷۹).

با تحلیل محتوای این فراز به‌سادگی می‌توان دریافت، نقش مؤلفه‌های برانگیزاننده در متن فوق، بسیار پررنگ است و نویسنده با کلی‌گویی تصویری مبهم از کشته‌شدگان واقعه ۱۵ خرداد ۱۳۴۲ می‌سازد و خود را بی‌نیاز از ارائه دقیق گزارش تاریخی می‌بیند و با استفاده از واژگان انگیزشی سعی در اثبات صحت روایت خود دارد.

#### ت. مظلوم‌نمایی

مظلوم‌نمایی نوعی فریب افکار عمومی است که طی آن، از طرف مقابل انسانیت‌زدایی شده و از کسانی که مورد توجه آن رسانه باشند، چهره‌ای مظلوم و ستم‌دیده به مردم ارائه می‌شود (باصری و احمدی، ۱۳۹۵: ۹۷). به‌عنوان نمونه: «جمعه خونین سپری شد: فردای آن روز تمام ایران به حالت تعطیل درآمد و تا یک هفته همه در عزای از دست‌دادن شهیدان به ماتم نشستند. تعداد کشته‌شدگان به چهار هزار می‌رسید. بعضی به ده هزار تخمین می‌زدند. در بهشت‌زهرا دیدم که کودکان هشت‌ماهه تا هشت‌ساله‌ای را که مثل دسته گل روی هم چیده بودند تا به نوبت در غسل‌خانه بشویند. نزدیک ۱۰۰ کودک از دوسال به پایین شهید داشتیم که در یکی از سالن‌های بهشت‌زهرا روی سینه هر یک، یک شاخه گل می‌خک قرار داده بودند و متأسفم که در آن روز کسی از آن‌ها عکس‌برداری نکرد» (خلیلی، ۱۳۸۲: ۲۹-۲۸).

گرچه ظلم‌های سیاسی، فرهنگی و جنایت‌های حکومت پهلوی در شکنجه و کشتار مردم قابل اغماض نیست؛ روش توجه به افراد بی‌دفاع مانند کودکان و زنان بسیار اهمیت دارد و مصداق مظلوم‌نمایی به‌همراه اغراق‌گویی است. شاید علت آن این است که بررسی‌های روان‌شناسان اجتماعی نشان می‌دهد که اغلب مردم جهان، سوءرفتار با دیگران، خشونت علیه کودکان و زنان، آزار افراد زبردست و سوءرفتار با افرادی را که قادر به دفاع از خود نیستند، به‌شدت تقبیح می‌کند.

واکنش توأم با نفرت و انزجار مردم جهان، حتی مردم آمریکا در برابر سوءرفتار سربازان و

فرماندهان آمریکایی با زندانیان «ابوغریب» و «گوانتانامو» شاهدی بر این ادعا است؛ بنابراین در یک جنگ نامتقارن می‌توان تصاویر و اخباری برای افکار عمومی کشور فراهم کرد که نشان دهد فرمانده‌های نظامی آنان به سربازان و زنان تحت فرماندهی خویش تجاوز می‌کنند، اسرا را مثله می‌کنند و حتی پناهندگان را به قتل می‌رسانند (الیاسی، ۱۳۸۳: ۱۴). گفتمان انقلاب اسلامی کوشش نمود با تولید روایتی که جامعه را تحریک می‌نماید، مظلوم‌نمایی کند و به بسیج سیاسی توده‌ها نائل آید.

### ث. دستکاری آماری<sup>۱</sup>

گفتمان انقلاب اسلامی برای ایجاد تزلزل در مشروعیت سیاسی گفتمان حاکم به مبالغه و بیشتر جلوه‌دادن خسارات جانی و مالی مبادرت نمود و این روایت‌ها پس از انقلاب اسلامی نیز همچنان اساس کار تولید محتوای متون تاریخی قرار گرفت.

راهکار «مبالغه تکان‌دهنده» در آثار نئومارکسیست‌های مکتب فرانکفورت نظیر تئودور آدورنو نمود فراوانی دارد. به باور آدورنو با استفاده از این تکنیک، می‌توان پایه یک ایدئولوژی رقیب را سست کرد و آن را از بین برد (باتامور، ۱۳۸۸: ۱۸). استفاده‌کنندگان این شیوه با اغراق و بزرگ‌نمایی و با دست‌کاری آماری یا به تعبیری تقلب آماری، آن‌ها را در جهت اهداف خود بهره‌برداری می‌کنند. این شیوه یکی از تاکتیک‌های جنگ روانی است. در جنگ‌ها با کم‌وزیاد کردن آمار کشته‌شدگان یا زخمی‌ها سعی در تضعیف دشمن و بزرگ‌جلوه‌دادن خود دارند و به این ترتیب با بزرگ‌نمایی تعداد سربازان کشته شده و زمین‌های تصرف شده می‌کوشند به اهداف موردنظر خود در افکار عمومی دست پیدا کنند (سلطانی‌فر، ۱۳۸۴: ۵۰).

درخصوص انقلاب‌های داخلی این جریان دست‌کاری آماری برخلاف جنگ‌ها است، به این معنی که برای از بین بردن مشروعیت حکومت و برانگیختن احساسات مخالفین و ایجاد وحدت بین تمامی گروه‌های مبارز، آمار کشته‌ها و زخمی‌ها را بسیار فراتر از آنچه تصور می‌شود اعلام می‌کنند؛ بنابراین، کار مورخان بسیار دشوار است؛ زیرا چند نوع آمار وجود دارد: یک آمار حداقلی، دوم، آمار حداکثری، سوم، چندین آمار که از دلایل دیگری نشئت می‌گیرند، بنابر همین امر است که پژوهشگران در تحلیل داده‌های مذکور با سردرگمی مواجه می‌شوند.

درباره تعداد شهدای انقلاب اسلامی تاکنون هیچ آمار رسمی از سوی متولیان امر داده نشده است. باقی می‌نویسد، «در سال ۷۶-۷۵ به مناسبت همکاری که با معاونت پژوهشی بنیاد شهید داشتم و مسئولیت یک نشریه متعلق به این بنیاد را بر عهده گرفته بودم، به جدول مفصلی از آمار قربانیان دست یافتم که می‌خواستم به مناسبت سالگرد انقلاب در نشریه بنیاد (یاد یاران)

چاپ کنیم، اما ارائه آن در نشریه هنوز مجاز نبود» (باقی، ۱۳۷۰: ۴۳۰)

بنابر یافته‌های باقی تعداد قربانیان انقلاب در سال ۴۲ تا ۵۷ بالغ بر ۳۱۶۴ تن است که ۲۷۸۱ نفر از این شهدای انقلاب در سال ۵۷-۵۶ در تمام کشور است. «البته این رقم فقط شامل آن‌هایی است که در بنیاد شهید پرونده دارند و باتوجه به گستره جغرافیایی این بنیاد و نیز با گذشت بیش از دو دهه از انقلاب ممکن است فقط نام قربانیان بسیار معدودی ضبط نشده باشد و رقم ۲۷۸۱ تقریباً بیانگر تعداد کل شهدا [۵۶ و ۵۷] است. از مجموع شهدای انقلاب در دوره پانزده ساله یعنی ۳۱۶۴ تن بیشترین آن‌ها مربوط به تهران بزرگ (شامل شهرری، تهران و شمیران) برابر با ۷۳۱ شهید است که حدود یک چهارم کل کشور است» (همان: ۴۳۰).

به دلایل زیر به نظر می‌رسد آمار عمادالدین باقی به واقعیت نزدیک‌تر باشد: نخست، وی به اسناد و منابع فراوانی دسترسی داشته است؛ دوم، هیچ دستگاه و مسئولی آمار او را رد نکرده است. سوم، آمار او با برخی پژوهش‌ها و یافته‌های موجود تطبیق دارد. چنان‌که بهبودی تاریخ‌نگار رسمی انقلاب اسلامی می‌نویسد: «از منابع موثقی شنیدم که مجموع آمار شهدای انقلاب اسلامی از قیام ۱۳۴۲ تا پیروزی انقلاب اسلامی حدود پنج هزار نفر برآورد شده است. اسناد و مدارک هم تقریباً این تعداد را تأیید می‌کنند. البته رقم کمتر از این است، اما با تسامح می‌گویم پنج هزار نفر. این نشان می‌دهد که پیروزی انقلاب اسلامی با تمام ابعاد وسیعی که دارد در مقایسه با انقلاب‌های دیگر هزینه جانی کمی در پی داشته است» (بهبودی، ۱۳۸۴: ۴۰)

بنابر آنچه گذشت؛ به نظر می‌رسد، روایت کشته‌های چند ده هزار نفری اغراق‌آمیز و به دور از واقعیت‌های تاریخی است و نمی‌توان به روایت‌های پسینی این‌چنینی که با اهداف مختلف، برساخته می‌شوند اعتنا کرد.

### زمان‌های آستانه‌ای در تاریخ انقلاب اسلامی

بررسی اخبار رویدادهای انقلاب به‌خصوص آمار کشته‌ها و زخمی‌ها، نشان می‌دهد که این موضوع به شدت تحت تأثیر جو متشنج و بی‌اعتمادی به روایت رسمی حکومت پهلوی از یک سو و عدم دسترسی به اطلاعات موثق و نیز گزارش‌های شفاهی متفاوت انقلابی از دیگر سو، بوده است. علاوه بر این، شایعه‌های شفاهی بر دامنه اغراق و بزرگ‌نمایی افزوده است.

در سال‌های منتهی به انقلاب هم اخبار حوادث دارای اهمیت زیاد بود و هم جو امنیتی و بی‌اعتمادی فضای سیاسی و عمومی جامعه را دربر گرفته بود که هر دو باعث رشد چشمگیر شایعات در این برهه تاریخی می‌شد. شایعات از دو جهت بر فضای انقلاب تأثیرگذار بود؛ نخست این که نگرانی مردم از وضع موجود و حساسیت آن‌ها به وقایع و حوادث جامعه را

افزایش می‌داد و شکاف بین حکومت و مردم را تشدید می‌کرد و دوم شایعه‌ها یکی از ابزارهای مبارزه علیه حکومت بود. به این معنی که در جنگ نامتقارن، طرفی که از توان نظامی همسان با طرف دیگر برخوردار نبود، می‌کوشید تا «به اشکال مختلف اثرات روانی خردکننده‌ای بر روحیه و اراده او وارد کند، او را سردرگم سازد و ابتکار عمل را از او بستاند» (الیاسی، ۱۳۸۳: ۲). اکنون به ارزیابی آمار کشته‌شدگان در دو زمان آستانه‌ای انقلاب اسلامی می‌پردازیم:

#### **الف. آمار و ارقام کشته‌شدگان قیام خرداد ۱۳۴۲**

با مقایسه و تحلیل محتوای آمار کشته‌شدگان رویداد ۱۵ خرداد ۱۳۴۲ که در گفتمان انقلاب اسلامی به‌عنوان مبدا تاریخی معرفی شده است. می‌توان هم به توصیف این روایت‌ها که تاکتیک شایعات در آن نقش محوری دارد؛ پرداخت و هم با مقایسه و تحلیل محتوای آن به نتایجی رسید. دو گفتمان اصلی پهلوی و انقلابیون در نوشتار مختلف اعم از جراید، اسناد و کتاب‌هایی که منتشر شده است؛ آمارهای متفاوتی را ارائه کردند. با تحلیل این داده‌ها می‌توان دریافت که شایعات و بزرگ‌نمایی در آمار با انگیزه غلبه گفتمانی و پیشبرد اهداف بوده است.

**گفتمان پهلوی:** در گفتمان پهلوی در مکتوبات آن آمار کشته‌شدگان با مقایسه و تحلیل محتوا در حد پایینی است و اصلاً با آمار غیررسمی قابل مقایسه نیست؛ لذا می‌توان به ابعاد تولید شایعات و آمارسازی دو گفتمان پرداخت. اگرچه روایت رسمی همواره از توصیف واقعیت امتناع دارد؛ ولی با تحلیل این گفتمان و آمار ارائه شده و مقایسه آن با آمار غیررسمی می‌توان به واقعیت تاحدودی نزدیک شد. سران و صاحب‌منصبان و اعضای دولت هر یک به طرق مختلف به این آمار اشاراتی داشته‌اند. ذیلاً براساس اسناد و پژوهش‌های مرتبط به این مسئله پرداخته می‌شود.

در گزارش‌های ساواک درباره ۱۵ خرداد حمله مردم به ادارات، مغازه‌ها، کلانتری‌ها و... را نشان می‌دهد. طبق این گزارش عده‌ای از پاسبان‌ها زخمی و شایعه شده است دوف نفر نیز به قتل رسیده است. (قیام ۱۵ خرداد به روایت اسناد ساواک، ۱۳۷۸: ۲/ ۴۲۷-۴۳۷). «مطابق گزارش ساواک در شهرستان‌ها جمع مقتولین غیرنظامی ۲۲ نفر و مجروحین ۳۶ نفر است». (دهنوی، ۱۳۶۰: ۳۴۲). آژانس رسمی پاریس تعداد کشته‌شدگان را ۲۰ نفر و زخمی‌ها را ۱۵۰ نفر اعلام کرد. وزارت دادگستری کشته‌شدگان را ۷۴ نفر اعلام کرد. ۶۰ نفر در تهران و ۱۴ نفر در قم. دولت علم کشته‌شدگان را ۸۶ و زخمی‌ها را ۱۵۰ نفر اعلام کرد. کمیسیون بی‌طرف تعداد قربانیان را ۸۶ و مجروحین را ۱۹۳ نفر اعلام کرد. خبرگزاری‌های خارجی ۱۰۰۰ نفر قربانیان را اعلام کرد که مورد اعتراض دولت ایران قرار گرفت. (خاطرات ۱۵ خرداد، ۱۳۸۸: ۵۸-۵۷)

تاریخ‌نگری و تاریخ‌نگاری، سال ۳۳، شماره ۳۱، بهار و تابستان ۱۴۰۲ / ۲۷۹

و علم، ۱۳۷۷: ۱/ ۴۹). محمد دهنوی اسامی شهدا را از آرشیوهای شهرداری استخراج کرده است و ۲۰۰ نفر اعلام کرد (دهنوی، ۱۳۶۰، ۱۸۷). اسدالله علم در ۵ مرداد ۱۳۵۳ بعداً تعداد قربانیان را ۲۰۰ نفر معرفی کرد». (علم، ۱۳۷۷: ۴/ ۲۰۱ - ۲۰۰).

**روزنامه‌ها:** نکته قابل توجه در تحلیل محتوای آمار جرایم دوره پهلوی این است که شباهت و همخوانی نزدیکی با گفتار مدیران و مسئولان وقت رژیم دارد. این آمار نیز تعداد را پایین و معمولی بیان نموده است. از تاکتیک شایعات نیز برای خنثی نمودن منتقدان استفاده نموده است. با بزرگ‌نمایی میزان تخریب تظاهرات انقلابیون را مقصر تقابل دانسته است.

از سال ۱۳۴۱ تا خرداد ۱۳۴۲ که تقابل حکومت با انقلابیون رقم خورد. حکومت از طریق رسانه‌ها یا پخش شایعات در پیشبرد اهداف خود گام برداشت. این شایعات یا برای جلب افکار توده‌ها با اقدامات حکومتی بود یا به منظور به حاشیه‌راندن مخالفان. با این وجود، اولین تقابل حکومت و مخالفان در خرداد ۱۳۴۲ رقم خورد که منجر به دستگیری، زخمی شدن و کشته شدن تعدادی گردید که در باب دامنه و میزان جان‌باختگان روایت‌ها متفاوت رواج یافته و وارد مکتوبات تاریخی شده است. روایت حکومتی کشته‌شدگان را محدود و آنان را مشتی خرابکار می‌داند. اما گفتمان انقلابی از شهادتی یاد می‌کند که خیلی بیش از آمار رسمی جان باخته‌اند. این آمارها حتی پس از انقلاب متأثر از روایت‌های پیشین بازتولید شدند.

«اصلاحات سال ۱۳۴۱ از نگاه توده‌ای‌ها سرفصلی بر دوران نوین سیاسی - اقتصادی ایران و پایان دوره گذار به سوی نظام سرمایه‌داری بود. آن‌ها مهم‌ترین عامل ظهور اصلاحات را عامل خارجی می‌دانستند که بر یک اصل کلی تأکید داشت و آن تغییر شرایط سیاسی و اقتصادی کشورهای کم‌رشد، از جمله ایران در شعاع سیاست خارجی امپریالیسم بود. در این برهه برخلاف دوره قبل که انگلیس نماینده امپریالیسم بود آمریکا این وظیفه را بر عهده گرفت. با فرض این اصل دیدگاه‌های مختلفی نیز در بیان دلایل پدیداری اصلاحات مطرح شد. دیدگاه نخست اصلاحات را در مدار سیاست ضد کمونیستی آمریکا ارزیابی کرد که به‌منظور جلوگیری از رشد کمونیسم انجام گرفت و نفوذ آمریکا را نیز در پی داشت» (قدسی زاده و دیگران، ۱۳۸۹) که همین امر سبب شد تا تقابل گفتمانی شدید بین حاکمیت و مخالفان نیز پیش آید و شایعات بسیاری در خصوص آمریکا در ایران شکل بگیرد.

اولین ارقام از آمار کشته‌های ۱۵ خرداد را روزنامه/اطلاعات در ۱۶ خرداد به این قرار اعلام کرد؛ «گزارش خبرنگار ما که از منابع رسمی گورستان شهر به دست آمده حاکی است که تا ظهر امروز جمع تلفات حادثه اخیر به ۷۹ نفر رسیده بود. هویت ده نفر از مقتولین در گورستان تهران معلوم شد، ضمن صدور جواز دفن ترتیب به خاک سپردن آن‌ها داده شده است. تعداد

۲۸۰ / تأملی روش‌شناختی پیرامون شایعات مربوط به کشته‌شدگان انقلاب اسلامی... / ملایی توانی و ...

مقتولین تهران از این تعداد ۶۶ نفر بوده است» (روزنامه اطلاعات، ۱۶/۰۳/۱۳۴۲: ۱۵-۱۴). اما همین روزنامه نیز اولین آمار غیررسمی را اعلام می‌کند که «در تظاهرات دیروز «عده زیادی» کشته و در حدود یک هزار نفر مجروح شدند» (همان: ۱۵). همین روزنامه دو روز بعد درگذشت ۴ نفر دیگر از مجروحان را اعلام می‌کند: «ظرف چهل و هشت ساعت گذشته چهار نفر از مجروحین... فوت کرده‌اند» (روزنامه اطلاعات، ۱۸ خرداد ۴۲: ۱۴) و در روز اول تیرماه به نقل از پزشکی قانونی، کشته‌شدگان روز ۱۵ و ۱۶ خرداد تهران را ۹۴ نفر اعلام کرد (روزنامه اطلاعات، ۱۳/۰۳/۱۳۴۲: ۱۳).

### گفتمان انقلاب اسلامی

آمار کشته‌شدگان در نوشتار مختلف انقلابیون که داده‌ها را براساس فضای پرتنش دوران مبارزات انقلابی تهیه نموده‌اند؛ بسیار ابعاد گسترده‌ای دارد. این آمار با روایت رسمی همخوانی ندارد. به نوعی خوانش اخبار پیشین است و تمیز امر واقع از بزرگ‌نمایی‌ها، امری دشوار است. نکته قابل توجه در تحلیل محتوای این نوشتار این است که همگی آمار نزدیک به همدیگر و با دامنه بالا را به‌استثنای مواردی ارائه نموده‌اند.

آریا بخشایش در مقاله‌ای با عنوان «۱۵ خرداد- تهران براساس گزارش‌های ساواک»، تعداد مجروحین و کشته‌شدگان واقعه ۱۵ خرداد را مشخص کرده است. اهمیت این آمار در این امر است که اولاً به قصد انتشار تهیه نشده و ثانیاً چون گزارش‌های مذکور برای دستگاه‌های امنیتی تهیه شده است، انگیزه دست‌کاری آماری را نمی‌توان، مدنظر داشت. بر این اساس از دو گزارشی که در ساعت ۱۹ پانزده خرداد تهیه شده است، تعداد مجروحین تا این ساعت ۱۶۴ نفر و تعداد کشته‌ها ۶۴ نفر گزارش شده است (آریا بخشایش، ۱۳۸۴: ۱۰۴-۱۰۳).

در اینجا آمار *روزنامه اطلاعات* با آمارهای موجود در گزارش ساواک هم‌خوانی دارد و با توجه به ادعای باقی‌مینی بر تعداد کل شهدای انقلاب در تهران از سال ۴۲ تا ۵۷ که برابر با ۷۳۱ نفر و کل آمار شهدای کشور برابر با ۳۱۶۴ نفر است، درستی آمار *روزنامه اطلاعات* و گزارش‌های ساواک به واقعیت نزدیک‌تر است.

امام خمینی در سال ۱۳۵۰ تعداد کشته‌های ۱۵ خرداد را برابر با ۱۵ هزار نفر اعلام کرد، «به طوری که گفته‌اند و یکی از علمای قم به من گفت که در قم چهارصد نفر را کشته‌اند و روی هم‌رفته، گفته می‌شود که پانزده هزار مردم را قتل عام کرده‌اند» (صحیفه امام، ۲/ ۳۶۴) که این امر به چند دلیل می‌تواند باشد: اول این که امام در روز ۱۵ خرداد در اسارت به سر می‌برد و در حدود یک ماه بعد از واقعه ۱۵ خرداد از زندان آزاد شد. در این زمان به دلیل عدم اطمینان

مبارزین به آمار رسمی حکومتی، سانسور، جو ملتهب و امنیتی آن را غیرواقعی دانسته‌اند و در این خصوص به گمانه‌زنی و شایعه‌ها نیز بر آن دامن زده شد که باتوجه به و التهاب سیاسی - اجتماعی آن روزگار و شکاف عمیق بین مردم و حکومت و شتاب وقایع، ارقام در شایعات مبالغه‌آمیز شده‌اند.

از آنجاکه شایعات باتوجه به قانون «گلوله‌برفی» برای زنده ماندن، کوتاه‌تر و اغراق‌آمیزتر می‌شوند، این سخنان زمانی به امام خمینی (ره) انتقال داده شد که در انقلاب در نقطه اوج مبالغه قرار گرفته بود و امام خمینی (ره) نیز این ارقام را به استناد دیگران بیان کردند. «دیروز خانواده‌های شهدای ۱۵ خرداد اینجا بودند. چیزی که مرا رنج می‌داد این بود که به من این صحبت‌ها نشده بود تا از حبس آمدم بیرون» (صحیفه امام، ۱۳۸۷: ۱/ ۲۷۲).

بی تردید، عدم شفافیت سیاسی نیز در بدبینی امام به حکومت پهلوی و بیان تعداد شهدای ۱۵ خرداد در آن زمان تأثیرگذار بوده است به طوری که به مناسبت چهلم شهدای مدرسه فیضیه، امام می‌گویند: «در این چهل روز ما نتوانستیم احصائیه (شمارش، آمار) مقتولین و مصدومین و غارت‌شدگان را درست به دست بیاوریم. نمی‌دانیم چند نفر در زیر خاک و چند نفر در سیاه‌چال‌های زندان‌ها و چند نفر در پنهانی به سر می‌برند. چنان‌که بعد از سال‌های دراز، عدد مقتولین مسجد گوهر شاد را که با کامیون‌ها حمل کردند، نمی‌دانیم» (همان: ۱/ ۱۹۶).

این جریان‌ها باعث شد تا در ارقام مبالغه شود و این مبالغه‌ها وارد داده‌های تاریخی شوند. برای مثال چند نمونه ذکر می‌شود؛ در کتاب درسی سال ۱۳۵۹ این چنین آمده است: «طبق برآورد ناظران آگاه تعداد شهدای وقایع ۱۵ خرداد بالغ بر ۱۵۰۰۰ نفر تخمین زده شده است» (عادل و دیگران، ۱۳۵۹: ۱۵۳). در نمونه‌ای دیگر آمده است «تظاهرات کنندگان جان‌برکف همانند برگ خزان بر زمین ریختند، شمار شهیدان آن روزهای خونبار را بالغ بر پانزده هزار تن روایت کردند» (بی‌نام، ۱۳۸۴: ۲۷۵). سپس پژوهنده دیگری همین حرف را تکرار می‌کند. «آمار درستی از تعداد کشته و مجروحان ۱۵ خرداد در دست نیست، اما «پانزده هزار نفر کشته» در اسناد و مدارک برآورد شده است» (شریعتی‌مهر، ۱۳۸۶: ۷۹).

این موارد نشان می‌دهد که چگونه اغراق و مبالغه‌های ناشی از فضای دهه ۴۰ و ۵۰ که کارکردهای روانی و سیاسی داشتند وارد تاریخ‌نگاری انقلاب اسلامی شده و تداوم خود را حفظ کرده‌اند؛ اما این نقطه آغاز پژوهشگران نقاد است، زیرا گزارش‌های اغراق‌آمیز این نویسندگان، در مواجهه‌شدن با پرسش‌های اساسی و بنیادینی که می‌گوید: «این افراد چه کسانی هستند؟» دچار خدشه و ضعف استدلال می‌شود و بی‌اعتباری‌اش بیش‌ازپیش آشکار می‌گردد. البته برخی استدلال‌هایی که در ضرورت پنهان ماندن نام شهدای انقلاب آورده می‌شود،

از این قبیل است؛ «خانواده شهیدان از بیم پیگرد شدید رژیم شاه و برای این که گرفتار زندان ساواک و بازجویی‌های آزاردهنده و شکنجه‌های توان‌فرسا نشوند، خبر شهادت یکی از بستگان خود را در قیام ۱۵ خرداد هرگز بازگو نکردند و مرگ آنان را به علت تصادف و دیگر رویدادهای غیرطبیعی نمایانند. این پنهان‌کاری موجب شد که برخی از شهیدان آن قیام تا به امروز ناشناخته بمانند» (بی‌نا، ۱۳۸۴: ۲۸۰).

ولی این رهیافت‌ها به پرسش پاسخ نمی‌دهند که چرا پس از پیروزی انقلاب و برطرف شدن موانع پیگیری قربانیان به وجود آمد این شهدا شناسایی نشدند. توجیه دیگر این است که «برخی شهیدان خرداد ماه از اهالی شهرها و روستاهای دوردست بودند و خانواده‌های آنان هرگز از سرنوشت آنان نتوانستند خبر یا نشانی به دست آورند، از این رو، آنان را از افراد مفقودالایر به شمار آورند و بدین گونه تنها از شهیدانی نام و نشانی به جا ماند که مردم توانستند آنان را از صحنه درگیری بیرون ببرند و به بیمارستان برسانند یا به گورستان تحویل دهند که نام آنان در دفتر بیمارستان یا گورستان به ثبت رسید یا برخی از خانواده‌های شهید، نام آنان را اعلام کردند» (همان).

همایون کاتوزیان با واری این‌گونه روایت‌ها بدین باور رسیده است که «برآورد قابل اطمینانی از تعداد مجروحان و کشته‌ها در دست نیست از جمله به این دلیل که آن‌ها را زنده یا مرده به سرعت از خیابان‌ها جمع‌آوری و در گورهای دسته‌جمعی مدفون کرده یا از هوا به دریاچه غیرقابل دسترس حوض السلطان بین تهران و قم فرو انداختند. تعداد مقتولان طبق آمارهای رسمی کمتر از ۹۰ نفر و بنابر آمارهای غیررسمی بین ۵۰۰۰ تا ۶۰۰۰ برآورد شده است. رقم مزبور برای کل کشور بایستی حداقل بالغ بر چند هزار نفر بوده باشد» (کاتوزیان، ۱۳۷۳: ۲۷۳). در زمان وقوع رویداد ۱۵ خرداد ۱۳۴۲ اخبار و شایعات زیادی در باب کشتار، دفن دسته‌جمعی فوتی‌ها میان مردم پخش شد.

یکی از این روایت‌ها دفن فوتی‌ها در دریاچه نمک قم است. در راستی‌آزمایی روایت‌های پسینی در این باب «افرادی مانند خسرو معتضد در یک مصاحبه مطبوعاتی منکر قضیه دفن یا پرتاب کشته‌شدگان قیام ۱۵ خرداد ۱۳۴۲ در دریاچه نمک قم شده است. او اظهار داشت: اگر این ادعای ایشان (محمد بلوری) در خصوص قیام ۱۵ خرداد است. در این زمان، این قبیل شایعات بر سر زبان‌ها افتاد. سپهبد آزموده دادستان ارتش که فردی قسی‌القلبی بود در سال ۱۳۴۰ بیست و شش نفر از افسران سازمان نظامی حزب توده و ۴ تن از رهبران فدائیان اسلام را به چوبه تیرباران سپرده بود؛ در زمان قیام ۱۵ خرداد ۱۳۴۲، دو سال بود که بازنشسته بود و از لباس نظامی خارج شده و تحت محافظت پلیس می‌زیست. اساساً دادستان ارتش که مقام



تاریخ‌نگری و تاریخ‌نگاری، سال ۳۳، شماره ۳۱، بهار و تابستان ۱۴۰۲ / ۲۸۳

قضایی است چگونه می‌تواند دستور دهد زندانیان سیاسی را با هواپیما به بالای دریاچه ببرند و در دریاچه نمک بیندازند، شما فقط یک نام را ذکر بفرمایید؟» (مصاحبه خسرو معتضد).

جدول مقایسه‌ای آمار کشته‌شدگان رویداد ۱۵ خرداد ۱۳۴۲ در گفتمان انقلابی و گفتمان‌های رقیب

آمار کشته‌شدگان ۱۵ خرداد ۱۳۴۲ در گفتمان انقلابی	آمار کشته‌شدگان ۱۵ خرداد ۱۳۴۲ از نظر سایرین
امام‌خمینی: ۱۵۰۰۰ نفر	روزنامه اطلاعات: ۷۹ نفر
حداد عادل: ۱۵۰۰۰ نفر	ساواک: ۶۶ نفر
شریعتی مهر: ۱۵۰۰۰ نفر	کاتوزیان: ۶۰۰۰-۵۰۰۰

ب. بررسی و نقد روایت کشته‌شدگان هفده شهریور ۱۳۵۷

منابع تحقیقاتی پس از انقلاب اسلامی: در ارائه آمار در گفتمان پس از انقلاب اسلامی در باب رویداد ۱۷ شهریور با تحلیل محتوای آن می‌توان دریافت که تلفات بسیار بالا معرفی شده است و داده‌ها عمدتاً همان روایت‌های دوران مبارزات انقلابی است. در این دسته آثار پژوهش‌هایی جدید که در خارج ایران صورت گرفته است آمار تفاوت زیادی با آمار نوشتارهای داخلی دارد.

درباره تعداد شهیدان ۱۷ شهریور ۵۷ معروف به «جمعه سیاه» شایعه‌ها و مبالغه‌ها باعث شده است تا آمار یک‌دستی ارائه نشود. چنان‌که شهدای این روز بین ۵۸ تا چهارهزار نفر در نوسان است. آبراهامیان به این اختلاف آماری این‌گونه اشاره می‌کند: «شب، مقامات نظامی تلفات آن روز را جمعاً ۸۷ کشته و ۲۰۵ زخمی اعلام کردند، اما مخالفین اعلام کردند که تعداد کشته‌شدگان به بیش از ۴۰۰۰ نفر می‌رسد و تنها در میدان ژاله ۵۰۰ نفر کشته شدند» (آبراهامیان، ۱۳۷۷: ۴۷۷).

یک روایت انقلابی می‌گوید، ۵۵۵ جنازه در قطعه ۱۷ بهشت‌زهرها دفن شد که دفن آن‌ها سه چهار روز طول کشید. از طریق ساواک نیز ۳۴۲ جنازه در بهشت‌زهرها طی یک ماه به خاک سپرده شدند (بی‌نام، ۱۳۷۶: ۲۸۷).

استمپل که خود از مسئولان رده‌بالای سفارت ایالات متحده آمریکا می‌نویسد، بلادرنگ پس از آغاز برخورد در میدان ژاله، مجروحین حادثه به سه بیمارستان واقع در ناحیه روانه شدند. منابع پزشکی کشته‌شدگان را بین ۲۰۰ تا ۴۰۰ نفر برآورد کردند. در ابتدا دولت مدعی شد که مقتولین ۵۸ نفر بوده‌اند، اما در عرض یک هفته این رقم به ۱۲۲ نفر افزایش یافت که به این رقم بین ۲۰۰۰ تا ۳۰۰۰ زخمی نیز افزوده گردید. در نیم روز ۸ سپتامبر (۱۷/۶/۵۷) رقم

مقتولین اعلام شده از طرف مخالفین ۴۰۰ تا ۵۰۰ نفر بود، اما طی ۲۴ ساعت تا حدود ۱۰۰۰ نفر بالا رفت... قبرستان بهشت‌زهرا تنها محل رسمی دفن مردگان در تهران به کنترل مخالفین درآمد و نیز تحریکات قابل توجهی دربارهٔ ثبت ارقام قبور مقتولین از هر دو طرف به عمل آمد. پزشکانی که مدت ۳۶ ساعت کار کرده بودند عقیده داشتند که رقم ۳۰۰ تا ۴۰۰ کشته و ۳۰۰۰ تا ۴۰۰۰ مجروح که در بیمارستان‌ها و مراکز درمانی درمان سرپایی شده‌اند برآوردی منطقی است.<sup>۱</sup>

عمادالدین باقی با توجه به دسترسی به آمار بنیاد شهید انقلاب اسلامی و منابع دیگر (سازمان بهشت‌زهرا و پزشکی قانونی) تعداد شهیدان ۱۷ شهریور را ۸۸ نفر ذکر کرده و یادآور شده است: «از این تعداد ۶۴ نفر در میدان ژاله و بقیه در نقاط دیگر شهر کشته شدند؛ زیرا تظاهرات به نقاط دیگر شهر خصوصاً شرق تهران نیز سرایت کرد» (باقی، ۱۳۸۳؛ ۴۳۱).

ملایی توانی با ارجاع به «بانک اطلاعات شاهد» آمار باقی را تأیید می‌کند و در این زمینه می‌نویسد: «منابع رسمی تعداد قربانیان را ۸۷ تن و زخمی‌شدگان را ۲۰۵ نفر اعلام کردند، اما جبههٔ مخالف آن را به هیچ‌عنوان ارقام واقعی ندانست و تعداد شهدا را بین ۳ تا ۵ هزار تن برآورد نمود. گفته می‌شود، دکتر علی امینی طی مصاحبه‌ای آمار کشته‌شدگان را بیشتر از دوهزار نفر اعلام کرد که این موضوع سروصدای زیادی در محافل وابسته به رژیم از جمله در مجلس برپا ساخت، اما براساس آخرین آمار بنیاد شهید انقلاب اسلامی تاکنون آمار شهدای ۱۷ شهریور تهران حدود ۸۸ تن و آمار شهدای سراسر کشور در این روز ۱۲۳ تن ثبت شده است (ملایی توانی، ۱۳۷۷: ۲۷۹).

### منابع رسمی گفتمان پهلوی

محمد رضا پهلوی نیز در کتاب پاسخ به تاریخ رقمی نزدیک به همین را ارائه می‌دهد: «روز هشتم سپتامبر (۱۷ شهریور)، که مقررات حکومت نظامی اعمال گردید، نزد رهبران مخالف و مطبوعات به «جمعهٔ سیاه» معروف گردید. بعداً وقتی سیاست‌مداران در این باره از رئیس دولت توضیح خواستند، او اعلام کرد که در نتیجهٔ برخورد تظاهرکنندگان با قانون، هشتاد و پنج جواز دفن صادر شده و او مسئولیت عواقب حکومت نظامی را بر عهده می‌گیرد» (پهلوی، ۱۳۷۵: ۳۴۷-۳۴۶).

همسر شاه در ارتباط با رویداد ۱۷ شهریور نوشت: «انقلابیون با آوردن تک‌تیرانداز و چریک‌های فلسطینی که روی پشت بام‌ها استقرار داشتند، پس از شلیک به نظامیان حدود ۶۶

۱. پاسدار اسلام، وقتی دولت آشتی ملی جوی خون راه می‌اندازد (اول شهریور، ۱۳۹۱، شمارهٔ ۳۶۹).

تاریخ‌نگری و تاریخ‌نگاری، سال ۳۳، شماره ۳۱، بهار و تابستان ۱۴۰۲ / ۲۸۵

نفر از آنان کشتند و سپس به روی مردم آتش گشودند. فرح آمار فوتی‌های انقلابی را حدود ۹۰ نفر دانسته است (فرح دیبا، بی‌تا: ۲۷۵-۲۷۱). این روایت ملکه وقت ایران تک روایت است و نمونه مشابه ندارد. در این روایت به کشته‌شدن نظامیان اشاره شده است که عامل شلیک بوده است.

سولیوان، سفیر وقت آمریکا در تهران نیز تعداد کشته‌شدگان را بیش از ۲۰۰ نفر اعلام کرد (بی‌نام، ۱۳۵۷: ۲). فریدون هویدا، برادر نخست‌وزیر سابق حکومت پهلوی رقم کشته‌ها را از سوی منابع رسمی ۵۸ نفر و به نقل از منابع مخالف حکومت پهلوی ۵۰۰ نفر اعلام کرد (هویدا، ۱۳۷۴: ۵۰).

باتوجه به این که داده‌های بنیاد شهید با روایت حکومت پهلوی همخوانی دارد می‌توان نتیجه گرفت که تعداد کشته‌های این روز همین آماری باشند که منابع رسمی اعلام کرده‌اند. ولی مترجم کتاب پاسخ به تاریخ نیز آمار او را قبول نمی‌کند و در پاورقی کتاب، این‌چنین می‌نویسد: «عکس‌های مربوط به شهدای جمعه سیاه بهترین مدرک برای اثبات این امر است که آن روز عدد کثیری، شاید چند برابر بیش از آمار رسمی دولت شریف‌امامی - که ۹۵ نفر اعلام شد - به شهادت رسیدند. در این مورد حتی شاهپور بختیار هم (که جزء عناصر مورد اطمینان شاه بود) در مصاحبه با خبرنگاری فرانسه، تعداد کشته‌شدگان فاجعه ۱۷ شهریور را بالغ بر ۲۴۵۰ نفر ذکر کرد» (همان: ۳۴۶).

#### نقد روایت‌های انقلابیون پیرامون «کشته‌سازی»

در باره تاکتیک کشته‌سازی در بحبوحه انقلاب و استفاده انقلابیون از این حربه، نوشته شد: «گرم نگه داشتن تنور انقلاب احتیاج به «قربانی» داشت. پس «انقلابیون» چنان‌که محسن رضایی بعداً اقرار کرد، جنازه‌ها را می‌ربودند، تشییع جنازه‌های قلابی برای قربانیانی که وجود نداشتند به راه می‌انداختند، خبرنگاران خارجی و داخلی را برای تهیه گزارش و فیلم‌برداری دعوت می‌کردند تا هیاهو به هر قیمتی هست، ادامه یابد» (نهاوندی، ۲۰۱۰: ۲۵۷). نقل قول از یکی از نیروهای انقلابی در باب بزرگ‌نمایی در آمارسازی روایتی یک‌جانبه است که اثبات آن نیازمند ارائه مستند است. بنا به گفته نهاوندی انقلابیون خود اقرار به مبالغه در آمارسازی دارند.

وی با تأکید بر ضرورت این بزرگ‌نمایی می‌نویسد: «بر مخالفان افراطی حکومت لازم بود که در افکار عمومی داخلی و به‌خصوص برای مطبوعات خارجی اعمال خشونت و شدت و توسل به خون‌ریزی محسوس و ملموس باشد که مردم خون ببینند، خون‌ریزی را احساس کنند» (نهاوندی، ۲۰۱۰: ۱۴۵-۱۴۴). شاه در کتاب پاسخ به تاریخ به وجود این نوع بزرگ‌نمایی

در مبارزات علیه خودش اعتراض دارد. وی می‌نویسد: «شنیده‌ام سرده‌های آشوبگران نعش کسانی را که به مرگ طبیعی مرده بودند، در گورستان به دوش می‌گرفتند و در شهر به حرکت درآورده و فریاد می‌زدند» این هم یکی دیگر از قربانیان رژیم، این هم یکی دیگر از جنایات ساواک» (پهلوی، ۱۳۷۵: ۳۳۱). او در ادامه می‌افزاید: «بدن مجروحان فرضی را با مرکورکروم» آغشته می‌کردند تا عکاسان خبرنگار فاقد اصول اخلاقی بتوانند عکس‌های مؤثرتری بگیرند» (پهلوی، ۱۳۷۵: ۳۳۱).

در نقد و بررسی اعتراض طرف‌داران حکومت پهلوی باید گفت: «جنگ نامتقارن» یک دانش و آگاهی نظامی است که برای توصیف جنگ استفاده می‌شود. چون طرفین درگیر در آن از حیث فناوری و توانایی‌های نظامی در یک سطح قرار ندارند، روش‌های مورد استفاده آنان در جنگ علیه یکدیگر، متفاوت از هم است (الیاسی، ۱۳۸۳: ۲)؛ بنابراین محمدرضا پهلوی با در اختیار داشتن ابزارهای مختلف اعمال قدرت و سرکوب و به وجود آوردن یک فضای ملتهب اولین مقصر در به وجود آمدن شایعه‌ها در جامعه بود. البته این بزرگ‌نمایی‌ها به هیچ روی به معنای انکار نقش حکومت پهلوی در ایجاد فضای سرکوب و خفقان نیست.

از سوی دیگر این شیوه مبارزه در بزرگ‌نمایی تعداد کشته‌ها عامل بسیار مهمی در جلوگیری از کشتار بیشتر توسط حکومت بود. زیرا با بهره‌گیری به‌موقع از فنون و روش‌های عملیات روانی می‌توانست از یک سو افکار عمومی کشور را علیه هیئت حاکمه آن برانگیزد و از سوی دیگر، موجی از وحشت، ناامنی و سردرگمی در نیروها و فرماندهان دشمن ایجاد کند و آنان را مغلوب اراده خود سازد (الیاسی، ۱۳۸۳: ۱)؛ بنابراین نمی‌توان مبارزان انقلابی را برای این که از تنها ابزارهای تبلیغاتی که در دست دارند استفاده کرده‌اند سرزنش کرد و باید ریشه‌های به‌وجود آمدن فضای باورپذیری این شایعات را درک کرد که به باور پژوهندگان؛ ریشه آن را می‌بایست، در کنش‌های رژیم پهلوی و کارگزاران آن مشاهده کرد.

جدول مقایسه‌ای آمار کشته‌شدگان رویداد ۱۷ شهریور ۱۳۵۷ در گفتمان انقلابی و گفتمان‌های رقیب

آمار کشته‌شدگان ۱۷ شهریور ۱۳۵۷ در گفتمان انقلابی	آمار کشته‌شدگان ۱۷ شهریور ۱۳۵۷ از نظر سایرین
هاشمی رفسنجانی الف: ۳۰۰۰-۵۰۰۰	پهلوی: ۸۵
هاشمی رفسنجانی ب: ۲۰۵	اشرف: ۸۵
هاشمی رفسنجانی ج: نامعلوم	نهادندی: ۱۶۰
باقی: ۸۸	سولیان: ۲۰۰
ملایی توانی: ۸۸	استمپل: ۳۰۰۰-۴۰۰۰

### ج. شایعات در رویدادهای مهم دیگر

باتوجه به این که پژوهش حاضر به صورت موردی به تبیین کاربرد شایعات در دو رویداد بزرگ در فرایند انقلاب اسلامی نظر داشت. اولویت را به این دو موضوع داد، اما در فرایند انقلاب اسلامی ارائه آمار در دو گفتمان پهلوی و انقلابیون بسیار وسیع بود و در رویدادهای مختلف دیده می‌شود که اشاراتی بدان می‌شود. با رویداد ۱۹ دی‌ماه ۱۳۵۶ انواع مختلف شایعات میان مردم پخش شد تا جایی که حوزه علمی و مراجع نیز بدان باور پیدا کرده بودند. به‌ویژه درباره کشته‌شدگان و مجروحین این رویداد که انقلابیون آن را حدود ۳۰۰ نفر اعلام کردند. در شرایطی که حکومت تعداد کشته‌ها را ۹ نفر و مجروحین را ۱۵۰ نفر اعلام نمود (انقلاب اسلامی به روایت اسناد ساواک، ۱۳۷۷: ۲/۳۳۰) یا در ماه‌های منتهی به انقلاب اسلامی در باب ماجرای آتش‌زدن سینمای رکس آبادان ارائه آمار بوده است.

ماجرای به آتش کشیده‌شدن سینما رکس آبان در ۲۸ مرداد ۱۳۵۷، برخی تعداد کشته‌شدگان را حدود ۴۸ نفر ذکر نمودند (قره‌باغی، ۱۳۶۴: ۱۳). پس از این ماجرا در اوایل شهریور ۱۳۵۷ جعفر شریف‌امامی نخست‌وزیر شد. وی از خانواده روحانی بود و شخصاً هم با بعضی روحانیون روابط نزدیکی داشت (سولیوان، ۱۳۹۳: ۱۱۸). حکومت با تبلیغات زیاد در رسانه‌های جمعی و پخش اخبار و شایعات مختلف کوشید و انمود کند که روابط حسنه با جریان روحانیت دارد و انتخاب شریف‌امامی نیز برای القای چنین شایعات و تبلیغاتی بود.

### نتیجه‌گیری

شایعه‌ها از نظر تاریخی، به دلیل شرایط خاص حاکم بر جامعه همانند ناستواری، ترس و تردید در طول دوره‌های شورش‌های اجتماعی رشد پیدا می‌کنند. شایعه‌ها نوعی روایت هستند و روایت‌ها، بن‌مایه و اساس تاریخ‌نگاری را می‌سازند. از این جهت است که شایعات می‌توانند به خوبی در تاریخ رسوخ و رسوب نمایند. بررسی‌های این پژوهش نشان می‌دهد که بحران‌های اجتماعی و عدم اعتماد مردم به حکومت پهلوی و جنگ روانی که در پی «جنگ نامتقارن» در روند مبارزات انقلابی از ۱۵ خرداد ۱۳۴۲ شکل گرفت به شدت بر شکل‌گیری و گسترش شایعات تأثیر گذاشت و اختلافات آماری شگفتی در منابع مختلف از تعداد کشتگان و زخمی‌های روند انقلاب ایجاد کرد. این اختلاف و دستکاری آماری ناشی از شایعه و مبالغه، غالباً برای تداوم و حفظ جریان انقلابی صورت می‌گرفت و از آنجاکه در این برهه روایت شفاهی انقلابیون، رسانه مورد اعتماد مردم بود، لذا این شایعات و مبالغات، نخست مورد قبول توده قرار می‌گرفت و به تدریج در روایات رسمی نیز بازتاب می‌یافت و تثبیت می‌شد. علی‌رغم

آن که شایعات، عمر کوتاهی دارند؛ اما به سبب تأثیرگذاری آن‌ها در تاریخ و جریان‌داشتن ارزش‌های انقلابی این اغراق‌ها تداوم خود را به گونه‌ای تاکنون حفظ کرده‌اند. باتوجه‌به بررسی‌های انجام شده و تطبیق روایت‌های رسمی و غیررسمی، می‌توان گفت: تعداد کشته‌های انقلاب اسلامی ایران کمتر از آن چیزی بود که مخالفان حکومت پهلوی ادعا می‌کردند. این دستکاری آماری از سوی مردم و مبارزان به دلایلی چون «بحران‌های شدید اجتماعی - سیاسی»، «عدم اعتماد به آمار رسمی»، «سرعت بالای حوادث»، «مظلوم‌نمایی»، «شیوه‌ای برای زنده نگه‌داشتن نهضت»، «تاکتیک مبارزه» و «نابرابری در توان مبارزه‌ای» صورت می‌گرفت.

## منابع

### الف. کتاب، مقاله

ابوالحسنی (منذر)، علی (۱۳۸۲) «کالبدشکافی یک شایعه در تاریخ مشروطیت»، *زمانه*، (۱۲)، صص ۲۵-۱۹.

احمدی، بابک (۱۳۸۶) *رساله تاریخ جستار در هرمنوتیک تاریخ*، تهران: مرکز امین‌آبادی، روح‌الله (۱۳۹۱) «پاسدار اسلام، وقتی دولت آشتی ملی جوی خون راه می‌اندازد»، (۳۶۹)، صص ۴۶-۴۲.

*انقلاب اسلامی به روایت اسناد ساواک (۱۳۷۷)* تهران: مرکز بررسی اسناد تاریخی، چند جلدی. آبراهامیان، یرواند (۱۳۷۷) *ایران بین دو انقلاب*، ترجمه احمد گل‌محمدی، محمدابراهیم فتاحی، تهران: نی.

آریابخشایش، یحیی (۱۳۸۴) «۱۵ خرداد- تهران براساس گزارش‌های ساواک»، *مطالعات تاریخی*، (۷)، صص ۱۲۵-۳۸.

باصری، احمد؛ احمدی، عباس (۱۳۹۵) «بررسی تاکتیک‌های رسانه‌ای؛ خبر بیست و سی شبکه دوم سیما در مدیریت بحران حوادث پس از انتخابات سال ۸۸»، *مدیریت بحران و وضعیت‌های اضطراری*، (۲۹)، صص ۱۱۲-۸۱.

باقی، عمادالدین (۱۳۸۳) *تولد یک انقلاب، بررسی انقلاب ایران با درآمدی پیرامون تاریخ معاصر*، تهران: سرابی.

بهبودی، هدایت‌الله (۱۳۸۴) *هفده شهریور در اسناد، ۱۷ شهریور ۱۳۵۷؛ کالبدشکافی یک واقعه*، تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی.

بی‌نا (۱۳۵۸) *ترور فکری و ترویج شایعه همراه با مختصری از شرح حال دکتر سید محمد حسینی بهشتی*، بی‌جا.

بی‌نا (۱۳۷۶) «ساواک شایعه می‌سازد، شهربانی تکذیب می‌کند»، *۱۵ خرداد*، (۲۵)، صص ۱۶۰-۱۵۲.

بی‌نا (۱۳۸۴) «اسامی شماری از شهیدان خرداد خونین ۴۲»، *۱۵ خرداد*، (۳).

تاریخ‌نگری و تاریخ‌نگاری، سال ۳۳، شماره ۳۱، بهار و تابستان ۱۴۰۲ / ۲۸۹

- بی‌نا (۱۹۷۵/م ۱۳۹۵ق) «بیوگرافی پیشوا»، جلد ۲، ۱۵ خرداد، (۵).
- پاکتچی، احمد (۱۳۹۶) *تقد متن*، تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق (ع).
- پهلوی، محمدرضا (۱۳۷۵) *پاسخ به تاریخ*، ترجمه حسین ابوترابیان، تهران: نشر سیمیرغ.
- ترکمان، فرح؛ شهابی، زینب (۱۳۹۵) «شایعه و عوامل اجتماعی مؤثر در پذیرش آن»، *راهبرد اجتماعی فرهنگی*، (۱۹)، صص ۲۱۶-۱۹۱.
- جمعه سیاه، ویژه‌نامه سالگرد قیام ۱۷ شهریور ۱۳۵۷، ص ۲.
- چراغی، زهره (۱۳۹۰) «شایعه و شایعه‌پردازی در عصر فاجار»، *تحقیقات تاریخ اجتماعی*، (۲)، صص ۳۸-۲۱.
- حداد عادل، غلامعلی و دیگران (۱۳۵۹) *تاریخ ایران سال سوم دبیرستان*، تهران: وزارت آموزش و پرورش.
- حضرتی، حسن (۱۳۹۹) «در باب مهم‌ترین وظیفه رشته‌ای مورخان»، *تاریخ‌نگری و تاریخ‌نگاری*، دانشگاه الزهراء، ۳۰ (۲۶)، صص ۸۷-۶۹.
- خاطرات ۱۵ خرداد* (۱۳۸۸) به کوشش علی باقری، تهران: سوره مهر.
- خاطرات فرح دیبا یا کهن دیارا (بی‌تا)*، بی‌جا: بی‌نا.
- خلیلی، اکبر (۱۳۸۲) *گام به گام با انقلاب*، جلد ۱: *پیدایش انقلاب اسلامی*، چاپ ۲، تهران: سروش.
- دهنوی، محمد (۱۳۶۰) *قیام ۱۵ خرداد به روایت اسناد*، تهران، خدمات فرهنگی رسا.
- دواس، دی‌ای (۱۳۹۴) *پیمایش در تحقیقات اجتماعی*، ترجمه هوشنگ نایبی، تهران: نی.
- رستم، اسد (۱۳۹۲) *تقد تاریخی*، ترجمه سید محمدرضی مصطفوی‌نیا و حسن حضرتی، تهران: سمت.
- روحانی، حمید (۱۳۸۱) *نهضت امام‌خمينی (دفتر اول)*، تهران: عروج.
- روزشمار انقلاب اسلامی* (۱۳۷۶) جلد ۵، تهران: دفتر ادبیات انقلاب اسلامی حوزه هنری.
- سلطانی‌فر، محمد (۱۳۸۴) «رسانه‌ها با بحران‌های نوین و جنگ‌های پست‌مدرن»، *پژوهش‌های ارتباطی*، (۴۳ و ۴۲)، صص ۵۸-۲۷.
- سولیان، ویلیام هیلی (۱۳۶۱) *مأموریت در ایران (خاطرات سولیان آخرین سفیر آمریکا در ایران)*، ترجمه ابراهیم مشفق‌فر، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- شریعتی‌مهر، رضا (۱۳۸۶) «نگاهی به مهم‌ترین رویدادهای انقلاب اسلامی»، *مجله مبلغان*، (۹۹)، صص ۸۷-۷۴.
- صحیفه امام خمینی (۱۳۸۷)، جلد ۱ و ۲.
- عباسی، سمیه؛ ملک‌شاهی، هاشم (۱۴۰۱) «تاریخ میان‌رشته‌ای و جایگاه آن در پژوهش‌های تاریخی»، *تاریخ‌نگری و تاریخ‌نگاری دانشگاه الزهراء (س)*، (۳۲) ۲۹، صص ۲۲۰-۱۸۳.
- علم، اسدالله (۱۳۷۱) *گفت‌وگویی من و شاه (خاطرات محرمانه امیر اسدالله علم)*، گروه مترجمان، تهران: طرح نو، چند جلدی.
- فرهنگ‌نامه اندیشه مارکسیستی* (۱۳۸۸) ویراسته تام باتامور و دیگران، ترجمه اکبر معصوم بیگی، تهران:

۲۹۰ / تأملی روش‌شناختی پیرامون شایعات مربوط به کشته‌شدگان انقلاب اسلامی... / ملایی توانی و ...

بازتاب نگار.

فلسفی، محمد تقی (۱۳۷۶) *خاطرات و مبارزات حجت الاسلام فلسفی*، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.

قدسی‌زاده، پروین؛ یزدانی، سهراب؛ شیخ‌نوری، محمدمامیر (۱۳۸۹) «ماهیت دولت پهلوی (دوم) از دیدگاه حزب توده ایران و سازمان چریک‌های فدایی خلق ایران (۱۳۵۷-۱۳۳۲)» *تاریخ اسلام و ایران* دانشگاه الزهرا (س)، (۶)۲۰، صص ۱۶۱-۱۲۹.

قیام ۱۵ خرداد به *روایت اسناد ساواک (فیضیه)* (۱۳۷۸) تهران: مرکز بررسی اسناد تاریخی، چند جلدی. کاپفر، ژان نوئل (۱۳۸۰) *شایعه*، ترجمه خداداد موقر، تهران: نشر شیرازه.

کاتوزیان، محمدعلی (۱۳۷۳) *اقتصاد سیاسی ایران؛ از مشروطیت تا پایان سلسله پهلوی*، تهران: مرکز. کیانی، رسول (۱۳۸۵) «شایعه و امنیت عمومی»، *دانش نظامی*، (۳۰)، صص ۱۵۷-۱۳۱.

ملایی توانی، علیرضا (۱۳۷۷) «بررسی تحلیلی رویداد ۱۷ شهریور ۱۳۵۷» متین، (۹)، صص ۲۹۰-۲۶۷. \_\_\_\_\_ (۱۳۸۹) «چشم‌اندازهای نو در تاریخ شفاهی ایران با تأکید بر تاریخ‌نگاری شفاهی»، *تاریخ‌نگری و تاریخ‌نگاری دانشگاه الزهرا*، (۵)۲۰، صص ۱۵۴-۱۲۹.

مهدی‌نیا، جعفر (۱۳۶۸) *زندگی سیاسی علی‌امینی*، تهران: پانویس.

نهایندی، هوشنگ (۲۰۱۰م) *خمینی در فرانسه*، ترجمه دادمهر. لس‌آنجلس: شرکت کتاب.

هویدا، فریدون (۱۳۷۴) *سقوط شاه*، تهران: اطلاعات.

واعظی، احمد (۱۳۸۶) *درآمدی بر هرمنوتیک*، تهران: سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.

وپیستن، البرت (۱۳۷۴) *روان‌شناسی شایعه*، ترجمه ساعد دبستانی، تهران: سروش.

الیاسی، محمد (۱۳۸۳) «کاربرد عملیات روانی در جنگ نامتقارن»، *مطالعات راهبردی بسیج*، (۲۳)، صص ۲۲-۱.

ب. روزنامه‌ها

*اطلاعات*، ۱۶ خرداد ۱۳۴۲.

*اطلاعات*، ۱۸ خرداد ۱۳۴۲.

*اطلاعات*، اتیر ۱۳۴۲.

پ. مصاحبه‌ها

مصاحبه سایت آفتاب نیوز با ابرهیم یزدی، تاریخ انتشار ۲۱ خرداد ۱۳۸۴، [irHttp://aftabnews](http://aftabnews.ir).

L. Pliskin, Karen. 1980. "Rumors of the Revolution". *Iranian Studies*. Vol. 13, No. 1/4. pp. 55-81

Gözl, Olmo. 2017. "Khomeini's Face is in the Moon: Limitations of Sacredness and the Origins of Sovereignty." In *Sakralität und Heldentum*. Edited by Felix Heinzer, Jörn Leonhard and von den Hoff, Ralf, 229-44. *Helden - Heroisierungen - Heroismen* 6. Würzburg: Ergon.



**List of sources with English handwriting**

- A Dictionary of Marxist Thought (2009), edited by Tom Butmore and others, translated by Akbar Masoom Beigi, Tehran: Bāztāb Negār.
- Abrahamian, Ervand (1998), Iran between two revolutions, translated by Ahmad Golmohammadi, Mohammad Ebrahim Fatahi. Tehran: Ney Publishing.
- Abulhasni (Monzar), Ali (2012). Analysis of a rumor in the history of constitutionalism. Zamane monthly Number 12.
- Ahmadi, Babak (2007), Resāle-ye Tārīk jostār dar Hermeneutics Tārīk, Tehran: Center Publishing House.
- Alam, Asadullah (1992), My Conversation with the Shah (Secret Memoirs of Amir Asadullah Alam), Translators' Group, Tehran: Tarḥ-e Nū, multi-volume.
- Anonymous (1975/1395 AH), "Biography of Pishva", Volume II, 15th Khordad Publications, Number 5.
- Anonymous (1979). Intellectual assassination and rumor promotion along with a brief biography of Dr. Seyyed Mohammad Hosseini Beheshti. (N.p.: N.p.)
- Anonymous (1997). "SAVAK creates rumours, Shahr bani denies". 15 Khordad quarterly. Number 25.
- Anonymous (2005), "A number of names of the martyrs of Bloody Khordad od 42", 15 Khordad Quarterly, No. 3.
- Aryabakhshayesh, Yahya. (2005), "15<sup>th</sup> of Khordad - Tehran based on SAVAK reports", historical studies, number 7.
- Baghi, Emad al-Din (2004), The birth of a revolution, a review of the Iranian revolution with an introduction to contemporary history, Tehran: Sarabi Publishing.
- Baseri, Ahmad, Ahmadi, Abbas. 2015, "Investigation of media tactics; News of the twenty-thirty-second TV channel on the crisis management of events after the 1988 elections", Crisis Management and Emergency Situations, No. 29.
- Behbodi, Hedayatollah (2005), 17th of Shahrivar in documents, 17th of Shahrivar 1978; Autopsy of one incident, Tehran: Institute for Political Studies and Research.
- Black Friday, special issue of the anniversary of the uprising on 17 September 1978, page 2.
- Cheraghi, Zahra (2018). "RUMOUR AND SPREADING RUMOURS IN THE QAJAR ERA". Two social history research quarterly. Year 1. Number 2
- De Vaus, D. A. (2015), Surveys in social research, translated by Houshang Naebi, Tehran: Ney.
- Dehnavi, Mohammad (1981), 15 Khordad uprising according to the documents, Tehran, Rasā Cultural Services.
- Falsafi, Mohammad Taghi (1997), Memoirs and Struggles of Hojjatoleslam Falsafi, Tehran: Islamic Revolution Records Center.
- Farah Diba's memories or Kohan Diyāra (n.d.), N.p.: N.p.
- Haddad Adil, Gholam Ali and others (1980), History of Iran in the book of third year of high school, Tehran: Ministry of Education.
- Kapfer, Jean Noel (2001), Rumors: Uses, Interpretation and Necessity, translated by Khodadad Movaqar, Tehran: Šīrāzeh Publishing House.
- Katouzian, Mohammad Ali (1994), Political Economy of Iran; From Constitutionalism to the End of the Pahlavi Dynasty, Tehran: Markaz.
- Khalili, Akbar (2003), step by step with the revolution, first volume: the emergence of the Islamic revolution, second edition, Tehran: Sorouš.
- Kiani, Rasoul. (2006), "Rumour and Public Security", Danesh, No. 30.
- Memories of 15 Khordad (2009), by Ali Bagheri, Tehran: Sūreh-ye Mehr.
- Pahlavi, Mohammad Reza (1996), Answer to History, translated by Hossein Abu Tarabian, Tehran: Šīmorgh Publishing.
- Pakatchi, Ahmad (2016), text criticism, Tehran: Imam Sadegh Publishing House.
- Pāsdār-e Islām, Vaqtī Dūlat-e Āštī-ye Mellī jūy-e kūn Rāh Mī-andāzād!, September 1, 2011, number 369.
- Rostam, Asad (2013), Historical Criticism, translated by Seyyed Mohammad Reza

- Mostafavinia and Hassan Hazrati, Tehran: Samt.
- Rouhani, Hamid (2002), Imam Khomeini's Movement (First Office), Tehran: 'Orūj.
- Rūzšomār-e Enqelāb Eslāmī (1997), Vol. 5, Tehran: Islamic Revolution Literature Office, Hūzeh Honarī.
- Şahīfeh Emām komeīnī, 2008, Vols. 1 and 2.
- Shariati-Mehr, Reza. 2007, "A Look at the Most Important Events of the Islamic Revolution", Mobaleghan Magazine, No. 99.
- Soltanifar, Mohammad. 2005, "Media with Modern Crises and Postmodern Wars", Communication Research, Nos. 42 and 43.
- Sullivan, William Healy (1982), Mission to Iran, translated by Ebrahim Moshfeghifar, Tehran: Islamic Revolution Documents Center.
- The Islamic revolution according to the documents of Savak (1998), Tehran: Center for the study of historical documents, multi-volume.
- The Uprising of 15 Khordad According to SAVAK Records (Feīzīyeh) (1999), Tehran: Historical Records Review Center, multi-volume.
- Turkman, Farah; Shahabi, Zeynab. 2015, "Rumor and the Effective Social Factors on Rumor Adoption", Socio-Cultural Strategy, No. 19.

#### Articles:

- Abassi, Somayeh Malekshahi, Hashem (2012). "Interdisciplinary History and its Position in Historical researches", Two Quarterly Journals of Historical Perspective & Historiography, Alzahra University (S), Year 32, New Volume, No. 29.
- Allport, Gordon Willard (1995), The Psychology of Rumor, translated by Saeed Dabestani, Tehran: Sorouš.
- Eliasi, Mohammad. 2004, "The Application of Psychological Operations in Asymmetric Warfare", Strategic Studies of the Basij, No. 23.
- Hazrati, Hassan (2010) "On the Most Crucial Disciplinary Task of the Historians", Two Quarterly Journals of Historical Perspective & Historiography, Alzahra University (S), Year 30, New Volume, No. 26.
- Hoveida, Fereydoun (1995), The Fall of the Shah, Tehran: Etellā'āt.
- Mehdīnia, Jafar (1989), Ali Amini's Political Life, Tehran: Pānevīs.
- Mollaei Tavani, Alireza (2010). "New Landscapes in Iran's Oral History with an Emphasis on Oral Historiography", Two Quarterly Journals of Historical Perspective & Historiography, Alzahra University, Year 20, New Volume, Issue 5, 2009.
- Mollaei Tavani, Alireza. (1998), "Analytical Study of the Event of September 17, 1978" Matin Research Journal, Issue 1.
- Nahavandi, Houshang (2010), Khomeini in France, translated by Dadmehr. Los Angeles: Book Company.
- Qodsizadeh, Parvin; Yazdani, Sohrab. Sheikh Nouri, Mohammad Amir (2010). "The nature of the Pahlavi government (II) from the perspective of the Tudeh Party of Iran and the People's Fedayeen Guerrilla Organization of Iran (1372-1357)", Scientific and Research Quarterly Journal of the History of Islam and Iran, Alzahra University (S), Year 20, New Volume, No. 6.
- Vaezi, Ahmad (2007), Introduction to Hermeneutics, Tehran: Islamic Culture and Thought Research Institute Publishing Organization.

#### Newspapers

- Rūznāmeḥ-e Eṭṭelā'āt. (6th of Khordad, 1342 AH/28th of May, 1963 CE)
- Rūznāmeḥ-e Eṭṭelā'āt. (8th of Khordad, 1342 AH/30th of May, 1963 CE)
- Rūznāmeḥ-e Eṭṭelā'āt. (1st of Tir, 1342 AH/22nd of June, 1963 CE)

#### Interviews

- Aftab News website interview with Ebrahim Yazdi, published June 21, 1965, [Http://aftabnews.ir](http://aftabnews.ir).

#### References in English

- L. Pliskin, Karen. 1980. "Rumors of the Revolution". Iranian Studies. Vol. 13, No. 1/4. pp. 55-81

Gölz, Olmo. 2017. "Khomeini's Face is in the Moon: Limitations of Sacredness and the Origins of Sovereignty." In *Sakralität und Heldentum*. Edited by Felix Heinzer, Jörn Leonhard and von den Hoff, Ralf, 229-44. *Helden - Heroisierungen - Heroismen* 6. Würzburg: Ergon.



©2023 Alzahra University, Tehran, Iran. This article is an open-access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International (CC BY-NC-ND 4.0 license) (<https://creativecommons.org/licenses/by-nc-nd/4.0/>)

**A methodological reflection on the rumors around the casualties of  
Islamic revolution  
(case study: 15<sup>th</sup> Khordad of 1342, and 17<sup>th</sup> Shahrivar of 1357)<sup>1</sup>**

Alireza Mollaiy Tavani<sup>2</sup>  
Behrooz Geravand<sup>3</sup>  
Seyyed Mahmood Sadat<sup>4</sup>

Received: 2024/06/20  
Accepted: 2024/08/29

**Abstract**

Rumors have always existed in governments and societies with multi-pronged goals. Rumor planning is typologically varied and also applied in different ways. There were also many rumors about the groups and spectrum affecting the power structure throughout the Islamic Revolution of Iran. The current study aims to examine the rumors about the casualties of the Islamic revolution combats and review the existing narratives. Our main question is what were the motives behind the rumors around the casualties of the Islamic revolution in the discourses of both the Pahlavi government and their dissidents; and based on what kind of methodology can we examine and review them? Furthermore, the current study applying the descriptive-analytical approach uses the discourse analysis theory to provide a deep and comprehensive review of the common rumors of the time. Our findings show that rumor-making as a means of “shaming oppressed” and “anti-government propaganda” was used by both the Pahlavi dissidents and by the Pahlavi regime itself to cast doubt on the causes of the revolution and its leaders’ motives, in order to pervert and marginalize the revolutionary discourse.

**Keywords:** Rumors, Motivating lawfulness, Extreme exaggeration, Marginalization, Islamic revolution.

---

1. DOI: 10.22051/hph.2024.46455.1713

2. Professor, Research Institute of Human sciences and cultural studies, Tehran, Iran (Corresponding Author). [mollaiynet@yahoo.com](mailto:mollaiynet@yahoo.com)

3. P.hd Research Institute of Imam Khomeini and the Islamic Revolution, Tehran, Iran. [behrooz.geravand@yahoo.com](mailto:behrooz.geravand@yahoo.com)

4. Assistant Professor in History ,Research Institute of Imam Khomeini and Islamic Revolutio, Tehran, Iran. [m.sadat@yahoo.com](mailto:m.sadat@yahoo.com)

Print ISSN: 2008-8841/ Online ISSN: 2538-3507